

جایگاه دادگاه‌های تجاری در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان

افشین مجاهد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

چکیده

امروزه بخش قابل توجهی از دعاوی مطروحه در دستگاه قضایی، دعاوی مربوط به حقوق تجارت است و یکی از حوزه‌های دادرسی که به دلیل پیچیدگی موضوعات، عناوین و دعاوی نیاز مبرم به دادگاه‌های اختصاصی دارد حوزه تجارت می‌باشد، زیرا ماهیت امور و دعاوی تجاری، سرعت و دقت فراوان در رسیدگی را می‌طلبد. در این راستا دادگاه‌های تجاری از مهم‌ترین دادگاه‌های اختصاصی در هر نظام حقوقی به شمار می‌روند که توسعه امور و فعالیت‌های تجاری، تسهیل سرمایه‌گذاری و بهبود شاخص‌های اقتصادی جوامع، نشان از نقش انکارناپذیری این دادگاه‌ها دارد. در کشور ایران محاکم اختصاصی تحت عنوان دادگاه‌های تجاری وجود ندارد. لیکن در حقوق فرانسه این دادگاه‌ها نقش مؤثری دارند، به طوری که تجار و نمایندگان تجار اعضای اصلی این دادگاه‌ها را تشکیل می‌دهند. همچنین در حقوق انگلستان این دادگاه‌ها، تخصصی است و رسیدگی در آن به طور خاص انجام می‌گیرد، به طوری که شامل موارد پیچیده ناشی از اختلافات تجار در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشند و به موضوعاتی از جمله تجارت بین‌المللی، بانکداری و اختلافات داوری تأکید خاص دارند. بر این اساس، تدوین و تصویب مقرراتی جامع و منسجم در خصوص رسیدگی به امور و دعاوی تجاری و تشکیل دادگاه‌های تجاری به نحوی که در نظام حقوقی فرانسه و انگلستان وجود دارد، همواره از دغدغه‌های نظام حقوقی ایران بوده است. لذا در این مقاله جایگاه دادگاه‌های تجاری در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: دادگاه تجاری، تجار، حل اختلاف، دعاوی، اقتصاد.

۱- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی میبد، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی یزد و دانشگاه دارالعلم، وکیل

دانشگستری، mojahedafshin859@gmail.com



مقدمه:

دادگاه‌ها و محاکم قضایی از مهم‌ترین نهادهایی هستند که با افراد اجتماع و حق و حقوق افراد ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارند. در نتیجه به راحتی می‌توان دریافت که ایجاد دادگاه‌های تجاری از اساسی‌ترین نیازهای ساختار قضایی کشورمان است. وجود دادگاه‌های خانواده، محاکم قضایی و سایر دادگاه‌های تخصصی بر همین مبنا قابل توجیه می‌باشد. دادگاه‌های تجاری به منزله دادگاه بدوی به دعاوی تجاری رسیدگی می‌کنند. همچنین این دادگاه‌ها به دعاوی مربوط به شرکت‌های تجاری، مسائل فرعی مربوط به پرداخت دیون، اصلاح و تسویه قضایی شرکت نیز در این دادگاه رسیدگی می‌شود. بنابراین اهمیت این دادگاه‌ها در امور تجاری روشن و مشخص است. فکر تشکیل مراجع اختصاصی با صلاحیت رسیدگی به دعاوی تجاری از زمان شروع روابط بازرگانی، به ویژه در سطح فرامرزی، که قدمتی به اندازه ی عمر اجتماعی بشر دارد مطرح بوده است. این مراجع که در ابتدا با هدف انحصارگرایی و ممتاز کردن طبقه تجار از سایر اقشار اجتماعی ایجاد شدند، رفته رفته با وسعت تفکرات فردگرایی و آزادپنخواهی به ابزاری تبدیل شدند که امنیت و سرعت را در روابط اجتماعی تأمین می‌کرد. در حقوق ایران سابقه کوتاه تشکیل این دادگاه‌ها حکایت از ناکارآمدی آن‌ها دارد. با این حال به نظر می‌رسد حذف دادگاه‌های تجاری در ایران نه به واسطه ضعف در نفس این تشکیلات بلکه ناشی از قانونگذاری نامناسب در این زمینه است. در فرانسه پس از گذشت قرن‌ها، دادگاه‌های تجاری همچنان به عنوان یکی از مراجع استثنائی مهم به فعالیت مشغول هستند. رمز پایداری این دادگاه‌ها در اروپا از زمان قرون وسطی تاکنون در استقبال بی نظیری است که تجار از آنها داشته‌اند. در فرانسه، دادگاه‌های تجاری فقط در صورت ضرورت تشکیل می‌گردند و در صورت تشکیل نیز میزان فعالیت آن‌ها و تعداد پرونده‌های مطروحه در هر شعبه بر تعیین تعداد قضات تأثیر مستقیم دارد. کشور فرانسه را می‌توان یکی از با سابقه‌ترین کشورها و البته موفق‌ترین آن‌ها در داشتن دادگاه‌های تجاری دانست. البته در این کشور علیرغم شناسایی دادگاه‌های تجاری به عنوان مراجع اختصاصی، آیین دادرسی حاکم بر این دادگاه‌ها جز در موارد استثنائی همان آیین دادرسی حاکم بر دادگاه‌های حقوقی است. در حقوق انگلستان نیز دادگاه تجاری رسیدگی به هرگونه ادعای ناشی از معاملات تجاری و بازرگانی و شامل دعاوی مربوط به یک سند کسب و کار یا قرارداد، صادرات و واردات کالا، حمل کالا به صورت زمینی، دریایی و هوایی و یا خط لوله، بهره‌برداری از ذخایر نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی، بیمه، خدمات مالی و بانکی، خرید و فروش کالا، ساخت کشتی، سازمان‌های کسب و کار و داوری می‌باشد. به نظر می‌رسد یکی از علت‌های اصلی و فلسفه ایجاد دادگاه تجاری را می‌توان توجه به همین عرف‌های خاص حرفه‌ای یعنی عرف‌های تجاری دانست که



با تشکیل دادگاه تجاری و آشنایی قضات دادگاه با این عرف‌ها بدون شک آراء صادره متناسب با واقعیت‌های تجاری شکل خواهند گرفت. با توجه به ماهیت موضوع، تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ روش تحقیق، به صورت نظری می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و روش تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی به صورت توصیفی خواهد بود.

۱- تاریخچه دادگاه‌های تجاری در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان

در ایران، از ابتدای ایجاد و استقرار تشکیلات دادگستری، ضرورت تسریع، دقت و تخصص و تسهیل رسیدگی به امور و دعاوی تجاری قانونگذار را به سوی تدوین مقرره‌ای برای تشکیل محاکم تجارت و رسمیت بخشیدن به چنین نهادی سوق داد. در واقع آنچه موجبات تدوین چنین قانونی را فراهم آورد اهمیت انکار ناپذیر تسهیل امور تجاری و تنظیم روابط میان تجار در رشد و توسعه اقتصادی کشور بود. نخستین بار در تاریخ ۲۴ شعبان ۱۳۳۳ قمری به موجب قانون محاکم تجارت مصوب کمیسیون قوانین عدلیه و در ۶۲ ماده، محکمه تجارت برای رسیدگی به امور و دعاوی تجاری تشکیل شد. پس از آن به تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۰۴ شمسی، قانون تشکیل محاکم تجارت در ۳ ماده، در راستای رفع نواقص قانون سابق، به اصلاح برخی مواد این قانون پرداخت. با وجود آنکه از همان ابتدا ضرورت تشکیل دادگاه تخصصی برای رسیدگی به امور و دعاوی تجاری به خوبی احساس شده و بر همین اساس نیز قانون مزبور به تصویب رسیده بود. برخی دشواری‌هایی که در اجرای این قوانین و روند فعالیت دادگاه تجارت وجود داشت، قانونگذار را بر آن داشت تا به موجب بند ۹ ماده ۷۶ قانون تسریع محاکمات، مصوب ۳ تیر ۱۳۰۹، قوانین پیشین را که محکمه تجارت بر اساس آن‌ها تشکیل و استقرار یافته بود، منسوخ اعلام نماید. عمده ایرادی که در خصوص روند رسیدگی محکمه مزبور مطرح می‌شد، تأخیر در رسیدگی و منافی بودن این امر با اصل سرعت در رسیدگی به امور و دعاوی تجاری بود. چنین تأخیری نیز عمدتاً از عدم حضور و مشارکت اعضای این محکمه در جریان دادرسی و نیز صدور رأی ناشی می‌شد. پس از نسخ قانون مربوط به تشکیل محکمه تجارت و انحلال این محاکم، همواره از سوی جامعه قضایی کشور و نیز اندیشمندان حقوق تجارت، بر ضرورت احیای مجدد این محاکم تأکید شده است؛ به ویژه آنکه، توسعه چشمگیر امور و فعالیت‌های تجاری در سال‌های اخیر و نقش انکارناپذیر رسیدگی تخصصی به امور و دعاوی تجاری، در توسعه تجارت، تسهیل سرمایه‌گذاری و بهبود شاخص‌های اقتصادی جوامع امروزی، خود مزید بر این علت شده است. چنین ضرورتی از دید بسیاری دیگر از نظام‌های حقوقی جهان نیز مغفول نمانده است؛ به گونه‌ای که، از زمان تدوین مقررات لازم و تشکیل و استقرار این محاکم، در بسیاری از نظام‌های مزبور، مدت زمان بسیاری سپری می‌شود. فکر ایجاد محاکم



تجاری با تصویب قانون موقتی محاکم تجارت در تاریخ ۲۴ شعبان ۱۳۳۳ آغاز و با تصویب قانون تشکیل محاکم تجارت در کمیسیون عدلیه در تاریخ ۱۳۰۴/۰۴/۱۴ تکمیل گردیده، ولی بعدها به موجب قانون تسریع محاکمات مصوب ۱۳۰۹/۰۴/۰۳ و ۱۳۰۹/۰۴/۱۲ کنار گذاشته شد. قوانین راجع به تشکیل محاکم تجاری از نظر تاریخ حقوق تجارت قابل امعان نظر است. در واقع، در این قوانین برای اولین بار امور تجاری تعریف شد. در ماده ۲۳ نموده بود: محاکم تجارت به امور راجعه به معاملات تجاری که طرفین با یک طرف آن تاجر باشند رسیدگی می‌نماید. معاملات تجارتی عبارت از نقل و انتقالاتی است که غرض از آن صرف انتفاع می‌باشد. البته این تعریف به موجب مواد یک لغایت سه قانون تجارت ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ کنار گذاشته شد، اما بعدها عیناً در قانون تجارت ۱۳۱۱ منعکس گردید. برخی از مقررات عیناً در قانون تجارت ۱۳۱۱ تکرار شده، مثلاً اینکه کلیه معاملات تجار معامله تجاری محسوب است، مادامی که خلاف آن محقق نشده باشد که با کمی تصرف عبارتی، ماده ۵ قانون تجارت ۱۳۱۱ را تشکیل می‌دهد. در قانون تجارت ۱۳۰۴ پیش بینی شده بود که برای احراز سمت رئیس محکمه تجاری، شخص باید به وسیله وزارت عدلیه، مطابق قانون استخدام قضات، معین شود و بقیه اعضا از میان تجار، برای مدت دو سال، انتخاب می‌شوند. در حال حاضر، محاکم تجاری از بین رفته‌اند (اسکینی، ۱۳۸۲: ۱۷). در خصوص قوانین راجع به محاکم تجاری نکته دیگری که از نظر تاریخی مهم باشد وجود ندارد؛ اما لازم است اشاره شود که به ظاهر محکمه تجارت به جز در تهران در جای دیگری تشکیل نشده است و از نحوه عمل آن نیز اطلاعاتی در دست نیست. آنچه مسلم است این دادگاه در کار خود موفق نبوده و ممکن است دلیل عمده حذف آن و ارجاع اختلافات تجاری به دادگاه‌های عمومی هم این باشد که اگر چه این دادگاه از یک عده قاضی تاجر انتخاب شده تشکیل می‌شده، به سبب آنکه قضات تاجر معلومات حقوقی کافی نداشته‌اند. تصمیم‌گیری همواره به وسیله قاضی منصوب دولت انجام می‌شده و دولت با حذف این محاکم ترجیح داده است کاری که در عمل از جانب قاضی دادگستری انجام می‌شود در قانون هم به او واگذار گردد (خادمی، ۱۳۹۴: ۴۱). در حقوق کشورهای اروپایی، ابتدا کشور ایتالیا مقدم بر فرانسه، دادگاه‌های تجاری را در نظام قضایی خویش وارد ساخت و پس از آن فرانسه تحت تأثیر دادگاه‌های تجاری این کشور، خود نیز این دادگاه‌ها را در دستگاه قضایی خود گنجاند. علت این تقدم آن است که در قرون وسطی، ایتالیا مهم‌ترین مرکز تجاری اروپا بود و بندرهای آن از جمله فلورانس نقش مهمی در انسجام آداب و رسوم و عرف‌های تجاری داشتند. منشأ اولیه شکل‌گیری این آداب و رسوم و بالتبع دادگاه‌های تجاری در بازارهای ونیز و جنوا بوده است (پرو، ۱۳۸۴: ۱۳۶). از درون همین بازارها بود که اصناف شکل گرفتند. در رأس هر یک از این اصناف افرادی به نام کنسول قرار داشتند که از سوی تجار



انتخاب می‌شدند و وظیفه اصلی آن‌ها رسیدگی به دعاوی میان ایشان بود. رونق تجارت به تدریج از ایتالیا به سایر کشورهای اروپایی تسری یافت. در همین راستا، فرانسه یکی از مهم‌ترین رقبای تجاری ایتالیا گشت. در این کشور در قرن پانزدهم میلادی مراجع کنسولی که از مدت‌ها قبل تحت تأثیر ایتالیا شکل گرفته بود، به فعالیت خود ادامه می‌دادند. نقطه عطف تاریخ دادگاه‌های تجاری در فرانسه به فرمان ۱۵۶۳ شارل نهم باز می‌گردد. در پی این فرمان اولین دادگاه تجاری در پاریس تشکیل شد و در ادامه با فرمان ۱۶۷۳ لویی چهاردهم صلاحیت دادگاه‌های تجاری به سرتاسر قلمرو فرانسه گسترش یافت. از ۲۴ اوت ۱۷۹۰ تاکنون این تشکیلات که تحت عنوان مراجع کنسولی در حقوق فرانسه شناخته شده بودند نام «دادگاه‌های تجاری» را بر خود گرفتند و قانون اکتبر ۱۷۹۵ به تعیین ترکیب، تعداد و نحوه انتخاب قضات این دادگاه پرداخت. انقلاب کبیر فرانسه که ساختار قضایی دوره استبداد را بیخ و بن اصلاح کرد، سازمان دادرسی بازرگانی را ابقاء نمود و در ساختار این محاکم تغییری ایجاد نکرد. علت آن نیز در دو امر نهفته است: نخست آنکه قضات تجاری از بین بازرگانان و به وسیله آرای عموم آن‌ها انتخاب می‌شدند و این ترتیب با اصول لیبرالیسم که مبنای انقلاب فرانسه بود، مطابقت داشت و دیگر اینکه صلاحیت بازرگانان که به عرف و عادت بازرگانی آشنایی و بصیرت عملی داشتند برای رسیدگی به دعاوی تجار بیشتر از دادرسان خدمتگزار دولت بود که قوانین را ضمن تحصیلات علمی و نظری فرا گرفته بودند. بعد از انقلاب کبیر فرانسه و تدوین قانون تجارت (در تدوین قانون تجارت فرانسه، دادگاه‌های تجاری نیز همکاری داشتند) به فرمان ناپلئون دادگاه‌های تجاری جایگاه مهمی در کنار سایر مراجع قضایی فرانسه پیدا کردند، چرا که قانون تجارت فرانسه در کتاب چهارم خود تحت عنوان دادگاه‌های تجاری به صورت مجزا و اختصاصی به تعیین ضوابط حاکم بر این دادگاه‌ها پرداخت. قوانین فرانسه در خصوص دادگاه‌های تجاری تا به امروز بارها مورد اصلاح و حتی نسخ به وسیله قوانین جدیدتر قرار گرفته است. در حال حاضر چهار منبع قانونی در خصوص دادگاه‌های تجاری در فرانسه وجود دارد که عبارتند از: ۱- قانون نهادهای قضایی فرانسه مصوب ۱۹۸۷ میلادی ۲- آیین نامه ۱۳ ژانویه ۱۹۸۸ میلادی مصوب شورای دولتی فرانسه ۳- قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه ۴- قانون تجارت فرانسه. ملاحظه می‌شود که با گذر زمان و تحولات اقتصادی و پیچیده‌تر شدن معاملات تجاری، نظام حقوقی و قضایی فرانسه بیش از پیش به لزوم وجود این دادگاه‌ها در کنار مراجع عمومی پی برده است (قاسمی حامد و غفوری اصل، ۱۳۹۵: ۴۰). با گسترش تجارت در سرتاسر اروپا در قرن پانزدهم و خروج تجارت از انحصار ایتالیا، انگلستان نیز از جمله کشورهایی بود که به دلیل داشتن مرز آبی طولانی و امکان تجارت دریایی با اقصی نقاط دنیا به جرگه فعالان تجاری پیوست. در قرون وسطی روابط میان بازرگانان انگلیسی



تابع حقوق بازرگانی بود که به عنوان یک حقوق خاص در مقابل کامن‌لا قرار داشت و در مراجع صنفی مورد استفاده قرار می‌گرفت. با این حال پیدایش دادگاه‌های (Westminster) موجب انزوای حقوق بازرگانی گردید و کلیه دعاوی تحت شمول کامن‌لا قرار گرفتند تا اینکه یکی از قضات این کشور در قرن هجدهم مجدداً قلمرو حقوق بازرگانی را از کامن‌لا جدا کرد. در سال ۱۹۷۰ به موجب قانون تشکیلات دادگستری مرجعی تحت عنوان دادگاه تجاری رسماً وارد تشکیلات قضایی انگلستان شد؛ هر چند تا قبل از آن نیز دادگاه‌های تجاری در این کشور عملاً وجود داشتند. در حال حاضر در نظام قضایی انگلستان در کنار دادگاه‌های تجاری نوع دیگری از مراجع تخصصی تحت عنوان (Mercantile Courts) وجود دارد که قلمرو صلاحیت آن از حیث موضوع با دادگاه تجاری یکسان است. با این تفاوت که مرجع اخیر به دعاوی با اهمیت تر رسیدگی می‌کند. به علاوه دادگاه‌هایی نظیر دادگاه امور دریایی و دادگاه شرکت‌ها نیز در کنار دادگاه‌های تجاری فعالیت می‌کنند که همگی در زمینه مسائل مربوط به حقوق تجارت صلاحیت دارند. در حال حاضر در حقوق انگلستان به غیر از قوانین مربوط به نهادهای قضایی، قانون مدون دیگری وجود ندارد تا براساس آن بتوان آیین دادرسی و یا مقررات تجاری حاکم بر مراجع تخصصی را استخراج نمود. در عین حال می‌توان به منابعی اشاره کرد که نظام قضایی این کشور در خصوص دعاوی تجاری از آن تغذیه می‌کند.

۱- قواعد دادرسی مدنی از مجموعه قواعد دیوانعالی کشور ۲- راهنمای دادگاه‌های امور دریایی و تجارتی (شاگری، ۱۳۸۹: ۱۵).

۲- جایگاه دادگاه‌های تجاری در حقوق ایران

با توسعه چشمگیر امور و فعالیت‌های تجاری در سال‌های اخیر و اهمیت تنظیم روابط میان تجار در رشد و توسعه اقتصادی کشور و با عنایت به نقش انکارناپذیر رسیدگی تخصصی به امور و دعاوی تجاری در توسعه تجارت، تسهیل سرمایه‌گذاری و بهبود شاخص اقتصادی جوامع امروزی و نظر به منسوخ شدن قوانین پیشین که محکمه تجارت بر اساس آن تشکیل و استقرار یافته بود و با لحاظ ضرورت احیای مجدد محاکم تجاری و رسمیت بخشیدن به چنین نهادی به منظور تسریع، دقت و تخصص و تسهیل رسیدگی به امور و دعاوی تجاری در اجرای بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی و در راستای رشد و شکوفایی جامعه تجاری و تولید کشور ضرورت تشکیل دادگاه‌های تجاری بیش از پیش آشکار می‌شود. امروزه جهش به سمت تشکیل دادگاه‌های تخصصی از اموری است که تقریباً در اکثر کشورهای دنیا مورد توجه قرار گرفته است. اینکه یک موضوع با توجه به حوزه آن توسط کارشناسان خاص خود مورد ارزیابی قرار گرفته و در آن حوزه به صورت تخصصی مورد بررسی و دادرسی قرار بگیرد، شیوه‌ای است که به جز کمک به تشخیص صحیح‌تر،



روند دادرسی را نیز تسریع بخشیده و این امر یعنی سرعت و تخصص از مبانی و اصول دادرسی عادلانه می‌باشد. توجه به حقوق تجارت به عنوان نظم دهنده به اقتصاد جامعه به عنوان مبنای اجتماع امری است که بیش از هر موضوعی روشن بوده و به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها نقش قانونگذار دارای اهمیت و حساسیت خاصی می‌باشد. مؤلفه‌های دادگاه‌های تجاری وجود سرعت و دقت در رسیدگی است، در واقع فرایند دادرسی سریع و کارآمد همراه با تخصص در رسیدگی پیش‌نیاز رسیدگی به دعاوی تجاری می‌باشد که به نظر می‌رسد در ساختار و سیستم کنونی قضایی ایران از وجود این مؤلفه‌ها همگام با گسترش و تغییر قوانین از قبیل تجارت الکترونیک خالی می‌باشد. حوزه تجارت محتاج سازمان‌های قضایی و حقوقی متناسب است. در حوزه تجارت با وجود اهمیت موضوع و تفاوت بنیادی امور و حوزه حقوق تجارت با دیگر حوزه‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی تجاری همسو با دیگر موضوعات و در یک ساختار به نام دادگاه‌های عمومی رسیدگی می‌شود، در حالیکه در چارچوب فرایند جهانی شدن و در راستای رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز در حوزه تجارت شاهد عدم همسویی سازمان و محتوا در ساختار رسیدگی قضایی می‌باشیم، چرا که با وجود روند گسترش امور بازرگانی، تصویب قانون تجارت الکترونیک و گسترش مبادلات الکترونیکی همچنان رسیدگی با همان سازمان و ساختار عمومی بوده و قضات دارای صلاحیت عام به این دعاوی رسیدگی می‌نمایند که با ماهیت این دعاوی که ناشی از امور دارای ویژگی خاص می‌باشند نیز نیازمند رسیدگی تخصصی می‌باشد. همچنان رسیدگی بر طبق آیین دادرسی مدنی و با همان نگاه حقوق مدنی است که این امر با سرعت به عنوان ویژگی دادرسی‌های تجاری منافات دارد. در نتیجه هماهنگی و ساختار قضایی با موضوع امور بازرگانی در صورت تشکیل دادگاه‌های تجاری و رسیدگی با آیین دادرسی ویژه و به دست قضات متخصص حاصل می‌شود (صادقی، ۱۳۹۲: ۹۲). نظام حقوقی ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه نیازمند توجه به تأثیر حقوق و فرایند دادرسی بر اقتصاد و پیشرفت اقتصادی می‌باشد و باید با تغییر وضع قوانین ماهوی و شکلی اقدام به تنظیم سیستم اقتصادی نموده و ساختار قضایی مناسب را نیز مهیا تا فعالان چرخه اقتصاد در دعاوی مابین در نهایت دقت و سرعت به نتیجه برسند. مرسوم است که نویسندگان حقوق تجارت از دو اصل سرعت و امنیت (تخصص، دقت) به عنوان خصیصه‌های حقوق تجارت و عامل تشخیص و تمایز آن در برابر حقوق مدنی یاد می‌کنند (عرفانی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷). یکی از اهداف مهم از تشکیل دادگاه‌های تجاری حفظ اعتبار تجار و امنیت معاملات تجاری و نیز حمایت از غیرتاجر در برابر تاجر متخطی می‌باشد، بر خلاف آنچه در بدو امر ممکن است به ذهن متبادر شود، تشکیل دادگاه تجاری به معنای متمایز و برتر دانستن طبقه تجار از سایر اقشار جامعه نمی‌باشد. به عبارت دیگر وجود یک دادگاه مجزا و



مستقل از دادگاه‌های عمومی همیشه یک امتیاز برای تجار به حساب نمی‌آید. بلکه در بسیاری موارد هدف از تشکیل این محاکم، ایجاد زمینه‌ای برای برخورد سختگیرانه‌تر با تجار متخلف یا سهل‌انگار می‌باشد تا اعتبار حوزه تجارت و سایر تجار حفظ شده و غیرتاجر در برابر تاجر و در معامله با او احساس امنیت و رضایت بیشتری داشته باشد. به همین خاطر برخی نویسندگان اصل «شدت عمل» در حقوق تجارت را ناشی از همین ویژگی «امنیت» می‌دانند (سماواتی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۲). بدیهی است که این برخورد بعضاً شدید، در نهایت به افزایش سطح معاملات تجاری می‌انجامد و این امر به سود خود تجار خواهد بود. یکی از عوامل توجیه‌کننده ضرورت تشکیل دادگاه‌های تجاری این است که این دادگاه‌ها در عین دقت و مهارت، در زمانی کوتاه‌تر به پرونده‌های تجاری رسیدگی نمایند. صرف تشکیل دادگاه‌های تجاری نمی‌تواند به تنهایی ضامن سرعت در دادرسی‌های تجاری باشد؛ زیرا اگر این محاکم را نیز تابع قید و بندها و تشریفات وسیع آیین دادرسی مدنی بدانیم، باز هم تسریع در رسیدگی‌های تجاری امکان‌پذیر نخواهد بود. دادگاه‌های تجاری نیز مانند هر دادگاه اختصاصی، آیین رسیدگی خاص خود را می‌طلبند و بدون شک تشکیلات دادگاه‌های تجاری و آیین دادرسی حاکم بر آن به منزله رابطه جسم و روح است و باید با تدوین آیین دادرسی مختص این دادگاه‌ها، نحوه اداره دادرسی آن‌ها معلوم باشد. بنابراین در صورتی که دادگاه‌های تجاری در کشور ایجاد شوند، برای آنکه اساساً هدف ما از تأسیس این محاکم محقق گردد، بایستی این دادگاه‌ها از آیین دادرسی خاص و متفاوتی از محاکم عمومی تبعیت کنند تا با تشریفات کمتر تجار زمان کمتری را برای مشخص شدن تکلیف و تثبیت وضعیت اقتصادی‌شان صرف کنند (شمس، ۱۳۹۰، ش ۴: ۱۷). خلاصه آنکه حوزه تجارت نیاز مبرمی به محاکم تخصصی دارد. تخصصی شدن اصطلاحات و مهارت‌های تجاری نیاز به محاکم تجاری را بیش از پیش نمایان می‌سازد. حرکت به سمت تشکیل دادگاه‌های تخصصی از اموری می‌باشد که تقریباً در اکثر کشورهای دنیا رایج شده است، اینکه هر جرمی و هر دعوایی توسط کارشناسان خاص خود مورد ارزیابی قرار گرفته و احیاناً تخلفات جرم‌انگاری شده در آن حوزه به صورت تخصصی مورد بررسی قرار گیرد، شیوه‌ای است که به جز کمک به تشخیصی صحیح‌تر، می‌تواند روند دادرسی را تسریع بخشد. به همین جهت رسالتی که برای دادگاه‌های تجاری در نظر گرفته شده، ویژگی تخصصی بودن باید در تمام ارکان این دادگاه‌ها لحاظ شود و برای این منظور در نخستین گام باید موارد صلاحیت دادگاه تجاری احصاء شود. حتی در صورت امکان می‌توان برخی شعب دادگاه تجاری را جهت رسیدگی به نوع خاصی از دعاوی از قبیل حمل و نقل، بیمه، ورشکستگی، مالکیت فکری و دعاوی تجاری بین‌المللی اختصاص داد. حکمت تشکیل محاکم اختصاصی تجارت فقط تأمین سرعت و قطع و فصل دعوا نیست و منظور از این تخصیص بیشتر احاطه و بصیرت هیأت



حاکمه به مقتضیات امور بازرگانی است. به عبارت دیگر برخی تصور کرده‌اند که حکم تأسیس محاکم تجارت، لزوم سرعت رسیدگی به امور بازرگانی است. این نظر صحیح نیست، چه نظر سرعت را دادگاه‌های عمومی هم به وسیله تأسیس شعب مخصوص با اتخاذ آیین دادرسی مخصوص که متضمن سرعت و کم کردن تشریفات باشد می‌توان تأمین نمود. حکمت وجود محاکم تجارت همان است که اشخاصی باید در بین تجار قضاوت کنند که از خصوصیات معاملات بازرگانی کاملاً آگاه باشند و دارای روح و قرینه بازرگانی بوده، دعاوی را با نظر وسیع‌تری قضاوت نمایند (متین دفتری، ۱۳۸۱: ۵۳).

۳- جایگاه دادگاه‌های تجاری در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه دادگاه‌های تجاری، دادگاه‌های خاص و با صلاحیت اختصاصی به حساب می‌آیند که تنها در مواردی می‌توانند رسیدگی به عمل آورند که نص قانون به ایشان صلاحیت را تفویض کرده باشد. اگر دعوایی خارج از حوزه صلاحیت دادگاه تجاری به او داده شود، دادگاه باید قرار عدم صلاحیت صادر نماید. خواه طرفین اعتراض نموده و به صلاحیت معترض باشند و خواه خود دادگاه، قرار عدم صلاحیت صادر نماید. این دادگاه‌ها صالح می‌باشند تا به دعاوی بین شرکای شرکت تجاری رسیدگی به عمل آورند. حتی اگرچه شرکاء خود تاجر نباشند. علاوه بر این دعاوی راجع به ورشکستگی نیز از صلاحیت‌های عمومی فراتر رفته سرانجام مواردی نظیر بلیط‌های فروخته شده توسط بلیط فروش، پرداخت کننده، دریافت کننده یا دیگر اعمال عمومی که افراد آن غیر تاجر ولی اعمال صورت گرفته تجاری می‌باشند نیز مشمول صلاحیت اخص می‌گردند. هر چند دادگاه تجاری یک دادگاه اختصاصی می‌باشند، با این حال دارای یک صلاحیت عمومی است. در حقوق فرانسه تنها تاجری را می‌توان به دادگاه تجاری جلب نمود که دعوی ناشی از عمل تجاری ایشان باشد و نه اینکه به اعمال غیر تجاری مربوط گردد که البته این ارتباط بدو و قبل از هر چیز باید اثبات گردد. وقتی خواننده تاجر باشد یا اینکه شرکت تجاری در مقام دفاع قرار گیرد و یا آنکه دعوی مطروحه ارتباط کامل با فعالیت تجاری داشته باشد، بدون اینکه ماهیت دعوا در حوزه دادگاه‌های اختصاصی دیگر باشد، در این سه مورد دادگاه‌های تجاری صلاحیت دارند و به این دعاوی رسیدگی می‌نمایند. هر چند که خواهان‌های دعوا تاجر باشند یا نباشند. لازم به ذکر است در مواردی که خواهان تاجر بوده اما خواننده غیر تاجر باشد دادگاه مدنی صلاحیت رسیدگی خواهد داشت، اما در موردی که خواهان غیر تاجر بوده اما خواننده تاجر باشد دادگاه تجاری صلاحیت رسیدگی خواهد داشت (Tom, 1993, 52) در حقوق فرانسه ویژگی اصلی محاکم تجاری این است که از قضاتی تشکیل شده‌اند که شاغل در کار قضایی نیستند؛ بلکه تجاری هستند که به وسیله خود تاجر برای مدت مشخصی انتخاب شده‌اند. هر محکمه تجاری از قضاتی



تشکیل شده که تعداد آن‌ها بسته به اهمیت کار آن محکمه ممکن است متفاوت باشد. به طور مثال در شهرهای بزرگ صنعتی و تجاری، تعداد قضاات بسیار زیاد است. محکمه تجاری شهر لیل فرانسه از ۳۷ قاضی تشکیل شده است (جوهر و نیکوند، ۱۳۹۹: ۱۶۵) قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه بیان داشته: صلاحیت مراجع قضایی با توجه به موضوع در مقررات مربوط به سازمان قضایی و مقررات خاص تعیین شده است. (محسنی، ۱۳۹۱: ۸۶) مواد ۶۳۱ تا ۶۳۸ قانون تجارت فرانسه نیز در مورد صلاحیت ذاتی این دادگاه‌ها در رابطه با دعاوی موضوع حقوق تجارت مطالبی را مطرح نموده است. مطابق ماده ۳-۶۳۱ قانون تجارت فرانسه پیش‌بینی نموده که دادگاه‌های تجاری به دعاوی مربوط به اعمال تجاری همه اشخاص چه تاجر و چه غیر تاجر رسیدگی به عمل می‌آورد. مانند دعاوی ناشی از برات که چون صدور برات ماهیتاً عمل تجاری است، حتی اگر غیرتاجر هم این عمل را انجام دهد در دادگاه‌های تجاری به دعاوی ایشان رسیدگی می‌شود. یا مطابق ماده ۲-۶۳۱ قانون تجارت فرانسه دعاوی بین شرکاء در شرکت‌های تجاری در این دادگاه رسیدگی می‌شود، حتی اگر در اینجا نیز شرکاء تاجر نباشند. در این نوع از دعاوی صلاحیت دادگاه‌های تجاری با توجه به طرفین دعوا از نوع تاجر یا غیر تاجر بودن سنجیده نمی‌شود. بلکه، صرفاً نوع عمل انجام شده است که صلاحیت دادگاه تجاری را تعیین می‌نماید. صلاحیت دادگاه کنسولی بسط داده می‌شود و شامل پیشه‌وران و صنعتگران موضوع صلاحیت جمعی می‌گردد. در نتیجه، دادگاه‌های تجاری صالحند تا در رسیدگی به موضوع تسویه حساب‌های قضایی علیه پیشه‌ورانی که در واقع و در اصل باید در دادگاه‌های مدنی مطرح گردد رسیدگی نمایند (Xavier Lucas, 2000, 167). دادگاه‌های تجاری به دعاوی بین تاجر که از عملیات تجاری ایشان ناشی شده است می‌پردازد. با این حال اشخاصی که (پیشه‌وران) به طور معمول اعمال تجاری را مطابق ماده ۱-۱۱۰ قانون تجارت فرانسه انجام می‌دهند می‌توانند به این دادگاه مراجعه نمایند. همچنین دعاوی مانند برات در مورد افراد اعم از تاجر و غیر تاجر در این دادگاه‌ها رسیدگی به عمل می‌آید که در ظاهر به نظر می‌رسد، دادگاه‌های مدنی صلاحیت رسیدگی داشته باشند، اما این گونه نیست. ماده ۱-۶۳۱ قانون تجارت فرانسه صلاحیت دادگاه تجاری را در حدود تاجر تعریف نموده است. در این بند از ماده ۶۳۱ به دعاوی بین تاجر از این جهت که تاجر هستند رسیدگی به عمل می‌آید. از فحوای این ماده برداشت می‌شود که دعاوی تاجر از این جهت که برای حوائج شخصی یا خانوادگی او می‌باشد، داخل در صلاحیت دادگاه‌های مدنی است و نه دادگاه‌های تجاری. مطابق آراء دادگاه‌های پاریس اصل بر این است که تاجر معاملاتش را راجع به امور تجاری خویش انجام داده و دادگاه‌های تجاری صلاحیت رسیدگی دارند. اما این یک اصل و فرض ساده است که می‌توان خلاف آن را اثبات نمود. وقتی که دعوا بین یک تاجر و یک غیر



تاجر شکل می‌گیرد، در اینجا غیر تاجر دو نوع انتخاب در صلاحیت دادگاهی را پیش رو دارد. او می‌تواند در دادگاه‌های مدنی اقامه دعوا نماید یا اینکه با توجه به اصول مطروحه در دادگاه‌های تجاری طرح دعوا بنماید. اما این اصل وجود دارد که تاجر تنها می‌تواند به دادگاه‌های تجاری رجوع نماید و حق رجوع به دادگاه‌های مدنی را ندارد (خادمی، ۱۳۹۴: ۷۹). مطابق قواعد عمومی صلاحیت اصل بر این است که محل اقامتگاه خواننده صالح به رسیدگی در دعاوی باشد. صلاحیت محلی دادگاه‌های تجاری بسیار انعطاف پذیرتر از صلاحیت محلی دادگاه‌های حقوقی عمومی‌اند و در اغلب دعاوی تجاری خواهان سه دادگاه را برای انتخاب پیش رو دارد: ۱- دادگاه اقامتگاه خواننده مطابق با قواعد عمومی ۲- دادگاه محل انعقاد عقد و یا محل اجرای آن ۳- دادگاه محل پرداخت دین. دادگاه‌های تجاری، دادگاه‌های اختصاصی و استثنایی از حقوق فرانسه هستند که در خارج از صلاحیت خود نمی‌توانند اقدام به رسیدگی و صدور حکم نمایند. این عدم صلاحیت مربوط به نظم عمومی است و دادگاه نمی‌تواند در این مورد رأی صادر نماید. اگر دادگاه توجهی به عدم صلاحیت خود ننماید ذینفع باید نسبت به آن اعتراض نماید. در حقوق فرانسه دادگاه‌های تجاری قانون تجارت را کاربردی کرده‌اند و از عرف و عادت تجاری هم مدد می‌گیرند. با این حال، نمی‌توانند به حقوق مصرف‌کننده به صورت خیلی حمایتی توجه نمایند. تجدیدنظر از احکام دادگاه‌های تجاری در دادگاه‌های تجدیدنظری که صلاحیت محلی دارند صورت می‌پذیرد. کار این دادگاه‌های تجاری به عکس قضات حرفه‌ای قضاوت، قضات دادگاه‌های تجاری از میان افراد غیر حقوقی انتخاب می‌گردند. مثلاً با توجه به اینکه قاضی خود در شرکت‌ها مشغول به فعالیت بوده یا مدیریت نموده است در احکام صادره واقعیات اقتصادی و مالی شرکت و جامعه را لحاظ می‌کنند و با توجه به این مسائل حکم مقتضی را صادر می‌نمایند و برای شرکت‌هایی که با مشکلات حقوقی مواجه شده‌اند نیز راه‌حل‌های مقتضی با شرایط آن‌ها را صادر می‌نمایند. وانگهی با توجه به اینکه سه نفر به عنوان قاضی احکام دادگاه‌های تجاری را صادر می‌نمایند، احتمال بروز خطا و مشکل نیز در آراء دادگاه‌های تجاری پایین می‌آید. به علاوه دادگاه‌های تجاری، دادگاه‌های درجه اول می‌باشند و امکان تجدیدنظر از آن احکام همیشه وجود دارد. بدین ترتیب در فرانسه آراء تجاری بسیار سریع صادر می‌شوند و دارای مالیات بسیار کمی می‌باشند. مانند شرایط مؤثر در جذب تجار برای رجوع به داوری. در بعضی از دادگاه‌های فرانسه، دادگاه‌های مختلط تجاری وجود دارد که مطابق قواعد مربوط به صلاحیت به دعاوی تجاری رسیدگی می‌نمایند. تفاوت این دادگاه‌ها با دادگاه‌های تجاری در این است که هر چند قضات این دادگاه‌ها هم انتخابی می‌باشند با این حال یک قاضی این افراد را انتخاب می‌نماید. در فرانسه رویه قضایی تجاری نیز از طریق دادگاه‌های تجاری به وجود می‌آید و دادگاه‌های تجاری آن را عرضه می‌نمایند،



دادگاه‌های تجدیدنظر درباره آن بحث می‌نمایند و در نهایت دیوان عالی کشور آن را تثبیت می‌نماید. شرکت و دخالت دیوان عالی کشور، دادگاه تجدیدنظر به هیچ وجه به طور خاص نیست و اعتراض نیز نمی‌نماید بلکه برعکس، دادگاه‌های بدوی تجاری هستند که نقطه نظرات خود را ارائه می‌دهند. به علت اینکه این دعاوی مربوط به حوزه‌های خاص قضایی مربوط به تجارت می‌باشند و این دادگاه‌ها صلاحیت تولید رویه قضایی را دارند.

۴- جایگاه دادگاه‌های تجاری در حقوق انگلستان

با گسترش تجارت در سرتاسر اروپا در قرن پانزدهم و خروج تجارت از انحصار ایتالیا، انگلیس از جمله کشورهای بود که به دلیل داشتن مرزهایی طولانی و امکان تجارت دریایی با اقصی نقاط دنیا به جرگه فعالان تجاری پیوست. در سال ۱۹۷۰ به موجب قانون تشکیلات دادگستری مرجعی تحت عنوان دادگاه تجاری رسماً وارد تشکیلات قضایی انگلستان شد. در انگلستان، دادگاه تجاری، تخصصی است و رسیدگی در این زمینه به طور خاص انجام می‌گیرد و به عنوان یک نهاد خاص مطرح است. در این کشور، دادگاه تجاری به رسیدگی موارد پیچیده ناشی از اختلافات تجار در سطح ملی و بین‌المللی می‌پردازد که به موضوعاتی از جمله تجارت بین‌المللی، بانکداری و اختلافات داوری تأکید خاص وجود دارد، ولی این به این معنا نیست که در این دادگاه‌ها به دعاوی که ارزش و پیچیدگی کمتری دارند رسیدگی نمی‌شود. به طور کلی دادگاه عالی به سه بخش تقسیم می‌شود که دادگاه تجاری به عنوان بخش تخصصی از بخش مشخصه ملکه است. دعاوی مرتبط با تجار عبارتند از: ۱- ورشکستگی ۲- تصفیه شرکت‌های که سرمایه پرداخت شده آنها کمتر از ۱۲۰/۰۰۰ پوند باشد. البته باید توجه داشت که این دعاوی جز در ناحیه کلان شهر لندن است که دادگاه ویژه ورشکستگی و دادگاه تجاری در لندن برای رسیدگی به امور شرکت‌ها وجود دارد. دادگاه عالی (شعبه دادگاه ملکه) صلاحیت رسیدگی بدوی به امور مدنی را دارد. این دادگاه همچنین به عنوان دادگاه تجاری، رسیدگی می‌نماید (رفیعی، ۱۳۸۶: ۷۸). در اصل دادگاه بخش ملکه به عنوان دادگاه بدوی دارای گسترده‌ترین صلاحیت قضایی جهت پرداخت به تمام موضوعاتی است که مشمول صلاحیت سایر شعب قرار نگرفته‌اند. قانون تشکیلات دادگستری مصوب ۱۹۷۰ دادگاه تجاری را به عنوان جزئی از بخش ملکه ایجاد کرد که به دعاوی مربوط به موضوعات تجاری نظیر بانکداری و بیمه رسیدگی می‌کند (خادمی، ۱۳۹۴: ۹۸). دادگاه تجاری توسط یک قاضی اداره می‌شود. قضات دادگاه تجاری از بین قضات دادگاه عالی انتخاب می‌شوند. قضات دادگاه عالی در رتبه قضات جزء قرار می‌گیرند و توسط ملکه و به پیشنهاد ال. سی. جی از بین سولیستور و یا بریستوهای با سابقه ده سال انتخاب می‌شوند. دوازده قاضی به شعبه انصاف، ۴۵ نفر به شعبه ملکه و ۱۶ نفر



به شعبه خانواده دیوان عالی فرستاده می‌شوند. تمامی این قضات مادامی که حسن رفتار دارند ممکن است توسط توصیه‌نامه از مقام سلطنت به یکی از دو مجلس منتقل شود. حقوق آن‌ها از هزینه پرداخت‌های ثابت تعیین می‌شود. تأثیر این دو شرط بر تضمین استقلال قضایی قابل توجه می‌باشد که یکی از خصوصیات واجب در اجرای قانون و عدالت در محدوده کشور انگلستان است. در این کشور قضات معمولاً به تنهایی در سند قضاوت می‌نشینند. اما در دادگاه‌های تخصصی از جمله دادگاه تجاری باید حداقل دو قاضی باشد. دعاوی معمولی و عادی دادگاه عالی، واجد وضعیت قضایی بدوی هستند. بدین معنی که برای اولین بار است که این دعوا نزد محاکم اقامه می‌شود ولی به طور کلی دادگاه تخصصی تجاری، واجد صلاحیت استینافی نیز هستند و به استینافات به عمل آمده از دادگاه‌های عالی رسیدگی می‌کنند. رئیس شعبه ملکه، رئیس کل دادگستری است، هرچند کار اصلی او مربوط به استماع استینافات کیفری است. بخش عمده کار، توسط تقریباً ۵۰ قاضی مادون رسیدگی می‌شود (رحیمی خجسته، ۱۳۸۵: ۶۲). لازم به ذکر است که دادگاه‌هایی نظیر دادگاه امور دریایی و دادگاه شرکت‌ها نیز در کنار دادگاه‌های تجاری فعالیت می‌کنند که همگی در زمینه مسائل مربوط به حقوق تجارت صلاحیت دارند.



نتیجه‌گیری:

امروزه بسیاری از پرونده‌های مطرح شده در دستگاه قضایی مربوط به حقوق تجارت می‌باشد و ضرورت وجود یک دادگاه اختصاصی تجاری برای رسیدگی به این دعاوی اجتناب‌ناپذیر است. دادگاه‌های تجاری، دادگاه‌های با صلاحیت ویژه هستند که به منزله دادگاه بدوی به دعاوی تجاری رسیدگی می‌کنند. در حال حاضر به دعاوی و اختلافات تجاری همچون دعاوی مدنی در دادگاه‌های عمومی حقوقی رسیدگی می‌شود و قضات دادگاه‌های حقوقی با نگاه حقوقی و مدنی به امور تجاری و با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی رسیدگی می‌کنند، در حالیکه این مطلوب امور تجاری نخواهد بود لذا ضرورت دارد که دادگاه‌های تجاری با آیین دادرسی خاص و ویژه امور تجاری تشکیل گردیده تا در اسرع وقت و به نحو تخصصی به اختلافات تجاری رسیدگی کنند. از طرفی دیگر با توجه به اینکه حجم زیادی از پرونده‌های مطروحه در مراجع قضایی مستقیم یا غیر مستقیم با دعاوی تجاری مرتبط هستند، این عامل منجر به اطاله دادرسی می‌شود. با تشکیل دادگاه‌های تجاری، اصل سرعت که یکی از اصول مسلم حقوق تجارت و رسیدگی به دعاوی تجاری است به عمل نزدیک‌تر شده و این امر یکی از موجبات کاهش اطاله دادرسی است. همچنین اصل دقت و تخصص از اهداف و ارکان اصلی و تفکیک‌ناپذیر دادگاه‌های تجاری هستند و ویژگی‌های فوق باعث رسیدگی‌های تخصصی‌تر به دعاوی تجاری خواهد شد. در کشورهایی نظیر فرانسه و انگلستان نیز رعایت اصل سرعت در دادرسی‌های تجاری علت اصلی پایداری دادگاه‌های تجاری است. علاوه بر این، مواردی مانند کاهش تراکم پرونده‌ها در دادگاه‌های حقوقی، ایجاد تخصص و تمرکز برای قضات دادگستری نسبت به موضوعات همگون و در نتیجه افزایش ضریب دقت و سرعت ایشان و در نهایت پاسخ به نیاز تجار مبنی بر اینکه از سوی افراد آشنا به مسائل تجاری مورد قضاوت قرار گیرند، حکایت از نقش مؤثر این دادگاه‌ها دارند. در حقوق ایران، با توجه به اینکه دادگاه‌های تجاری سابقه چندانی ندارند، لذا نباید انتظار داشت که به زودی این دادگاه‌ها در ایران تشکیل شوند، لیکن انجام آن را نباید به تأخیر انداخت و باید تمام تلاش‌ها صورت بگیرد تا امکانات تشکیل این نهاد را فراهم آورد. در این راستا باید تا زمان تشکیل دادگاه‌های تجاری، قوه قضاییه شعب خاصی را که دارای قضات متخصص در این حوزه هستند، برای رسیدگی به این دعاوی در نظر بگیرد. زیرا تشکیل دادگاه‌های تجاری و جداسازی دعاوی تجار از سایر افراد جامعه علاوه بر جنبه تخصصی بودن رسیدگی که قدمی مثبت در راه فنی و تخصصی شدن رسیدگی دادگاه‌های ایران بر می‌دارد، می‌تواند به سریع‌تر شدن رسیدگی به دعاوی تجاری که جزء نیازهای ضروری تجارت است کمک کند.

فهرست منابع:

الف) منابع فارسی:

- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۲)، *حقوق تجارت*، ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارات سمت.
- پرو، روزبه (۱۳۸۴)، *نهادهای قضایی فرانسه*، ترجمه شهرام ابراهیمی، عباس تدین و غلامحسین کوشکی، تهران: انتشارات سلسبیل.
- جوهر، سعید و نیکوند، شکرالله (۱۳۹۹)، «دادگاه‌های اقتصادی جایگزین محاکم تجاری با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی فرانسه و بلژیک»، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، دوره سیزدهم، شماره ۴.
- خادمی، مسعود (۱۳۹۴)، «دادگاه تجارت و آثار احیای آن در تشکیلات قضایی ایران با نگرشی تطبیقی به حقوق فرانسه و انگلیس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.
- رحیمی خجسته، حسین (۱۳۸۵)، ترجمه *GCSE Law*، چ ۲، تهران: انتشارات مجد.
- رفیعی، محمد تقی (۱۳۸۶)، ترجمه *A Level and As Level Law* نوشته هانت مارتین، چ ۳، تهران: انتشارات مجد.
- سماواتی، حشمت‌الله (۱۳۷۸)، *حقوق تجارت*، ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات میزان.
- شاکری، فرزانه (۱۳۸۹)، «دادگاه‌های تجاری و آئین دادرسی تجاری فلسفه پیدایش»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۰)، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۱، چ ۱۵، تهران: انتشارات دراک.
- صادقی، علیرضا (۱۳۹۲)، «علل اطاله دادرسی در محاکم با تأکید بر ضرورت تشکیل دادگاه‌های تجاری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه حکیم سبزواری.
- عرفانی، محمود (۱۳۸۶)، *حقوق تجارت*، ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات میزان.
- قاسمی، حامد و غفوری اصل (۱۳۹۵)، «لزوم احیای دادگاه‌های تجاری در ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۳.
- متین دفتری، احمد (۱۳۸۱)، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، چ ۲، تهران: انتشارات مجد.
- محسنی، حسن (۱۳۹۱)، *آیین دادرسی مدنی فرانسه*، چ ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.



(ب) منابع لاتین:

-Tom 1: **Les Sources L entreprise individuelle**. Paul Didier Droit Commercial , Paris Zed .1993.

-Xavier Lucas, Francais , **Droit Commercial** , zed. Paris .Monthnestien , ۲۰۰۰.